

هلمشهری



گفت و گو با کارشناس چهره‌نگاری پلیس آگاهی تهران که تا حالا معماهای پرونده‌های زیادی را حل کرده است

حرفه: شکار هزارچهره‌ها

چهره‌هایی که در اینجا خلق می‌شوند، متعلق به تبهکاران و مجرمانی هستند که پلیس در تعقیب آنهاست. روزانه قریب به ۲۰۰ نفر از مالباخته‌ها گرفته تا شاهدان جنایت وارد این اتاق می‌شوند تا زهرا تقی‌زاده، کارشناس چهره‌نگاری پلیس آگاهی تهران با کمک آنها بتوانند تصویری از چهره مجرم تهیه کنند. او متولد سال ۵۲ و تنها کارشناس زن چهره‌نگاری است که از اواخر سال ۸۲ در اداره تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران مشغول به کار است و تخصص او در ترسیم چهره‌ها و «چهره‌زنی» تاکنون برده از اسرار

با دقت و صبر فراوان اجزای چهره‌ها را طراحی می‌کند؛ مانند تکه‌های پازلی که باید با دقت تمام سر جای درست قرار بگیرند تا چهره‌ای را در صورت معمولی نیستند و گاهی وقت‌ها تنها سر نخ می‌شوند برای کشف رازهای مهم و گاهی هولناک. اینجا اتاق مخصوص چهره‌نگاری در اداره تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران است.

الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

گفت و گو

ترسیم کنند؛ چهره‌هایی که اصلا معمولی نیستند و گاهی وقت‌ها تنها سر نخ می‌شوند برای کشف رازهای مهم و گاهی هولناک. اینجا اتاق مخصوص چهره‌نگاری در اداره تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران است.

نکته

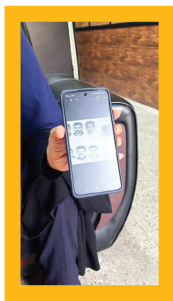
چهره‌شناسی تمام حرفه‌ای

زهرا تقی‌زاده خاطرات زیادی از پرونده‌هایی دارد که نقش اصلی را در کشف آنها داشته است



عاشق کارم هستم

همسر و پسر ۱۹ ساله‌ام می‌دانند که من عاشق کارم هستم و با وجود اینکه گاهی خسته می‌شوم و کم می‌آورم اما تشویق می‌کنند تا مانند همیشه با جدیت به کارم ادامه بدهم. آنها می‌دانند که من از کودکی پای فیلم و سریال‌های پلیسی می‌نشستم و همیشه دلم می‌خواست پلیس شوم. به‌نظم کشور ما به پلیس‌های زن نیاز دارد و به عقیده من باید تعدادشان هر روز بیشتر شود. فرزند من استعداد خاصی در طراحی چهره دارد. کافی‌است روبه‌رویش بنشینم و یک قلم به او بدهی، آن وقت می‌بینی که با چه دقتی چهره شما را طراحی کرده است. او یک‌بار در محل کار من حاضر شده و پای سیستم کامپیوتر من نشست. او از سر کتک‌کاوای و شیطنت‌های کودکی صحبت‌های مالباخته را شنیده و چهره مجرم را طراحی کرده بود. وقتی مالباخته تصویری را دید با تعجب گفت که این تصویر با سارقی که از او زورگیری کرده مونی‌زند.



شناسایی مجرمان نقابدار

در زمان کرونا که تا دلناتان رونشناسی مطالعه کرده‌ام. حتی در سسینارهای مختلفی شرکت کرده‌ام و به‌نظم هرچه در این زمینه آگاه‌تر باشم، کارم را سرعت بخشیده‌ام. اینکه روش آرام کردن شاکیان را بدانم و در زمان مناسب از آن استفاده کنم خیلی مهم است. به‌نظم پرونده‌های تجاوز از سخت‌ترین پرونده‌هاست. باید شاکتی که دچار آسیب روحی و روانی شده، آزار دیده و حتی گاهی از نظر جسمی نیز آسیب دیده را آرام کنم تا بتوانم چهره فرضی متهم را طراحی کنم. یکی از مهم‌ترین پرونده‌های تجاوز، پرونده پستی‌قلایی بود که به زنان خانهدار تجاوز می‌کرد. چهره فرضی متهم که من طراحی کرده بودم به شناسایی و دستگیری مجرم منجر شد.

اشتباه

مگر می‌شود اشتباه کنیم؟ به‌هر حال انسان جای‌الخطاست اما در صد اشتباهات خیلی کم است. معمولاً اگر ارباب رجوع اطلاعات غلط دهد به بیراهه می‌روم، من حتی در خیابان از روی چهره و رفتار راننده‌ها می‌توانم تشخیص بدهم که مثلاً ماشین سسرقتی است یا راننده ریگی به کفش دارد. حتی می‌توانم قومیت افراد را هم از روی چهره‌شان حدس بزنم. به‌عنوان مثال می‌توانم حدس بزنم متهم اهل کدام شهرستان است. حتی می‌توانم نوع جرم مجرم را تشخیص دهم مثلاً بگویم فلانی زورگیر است یا کلاهبردار یا قاچاقچی. راستی گفتم قاچاقچی یا یک پرونده قاچاق ارز افتادم. یک قاچاقچی حرفه‌ای سال‌ها قبل میلیاردها تومان کلاهبرداری کرده بود و من چهره‌اش را طراحی کردم. طراحی که تمام شد، حدس زدم از کشور خارج می‌شود و تصویرش را برای پلیس مرزبانی فرستادم. چند روز بعد به من زنگ زدند و گفتند از روی همان تصویر، در نقطه صفر مرزی دستگیرش کرده اند.

یک روانشناس

من کتاب‌های متعددی در زمینه روانشناسی مطالعه کرده‌ام. حتی در سسینارهای مختلفی شرکت کرده‌ام و به‌نظم هرچه در این زمینه آگاه‌تر باشم، کارم را سرعت بخشیده‌ام. اینکه روش آرام کردن شاکیان را بدانم و در زمان مناسب از آن استفاده کنم خیلی مهم است. به‌نظم پرونده‌های تجاوز از سخت‌ترین پرونده‌هاست. باید شاکتی که دچار آسیب روحی و روانی شده، آزار دیده و حتی گاهی از نظر جسمی نیز آسیب دیده را آرام کنم تا بتوانم چهره فرضی متهم را طراحی کنم. یکی از مهم‌ترین پرونده‌های تجاوز، پرونده پستی‌قلایی بود که به زنان خانهدار تجاوز می‌کرد. چهره فرضی متهم که من طراحی کرده بودم به شناسایی و دستگیری مجرم منجر شد.

اشتباه

مگر می‌شود اشتباه کنیم؟ به‌هر حال انسان جای‌الخطاست اما در صد اشتباهات خیلی کم است. معمولاً اگر ارباب رجوع اطلاعات غلط دهد به بیراهه می‌روم، من حتی در خیابان از روی چهره و رفتار راننده‌ها می‌توانم تشخیص بدهم که مثلاً ماشین سسرقتی است یا راننده ریگی به کفش دارد. حتی می‌توانم قومیت افراد را هم از روی چهره‌شان حدس بزنم. به‌عنوان مثال می‌توانم حدس بزنم متهم اهل کدام شهرستان است. حتی می‌توانم نوع جرم مجرم را تشخیص دهم مثلاً بگویم فلانی زورگیر است یا کلاهبردار یا قاچاقچی. راستی گفتم قاچاقچی یا یک پرونده قاچاق ارز افتادم. یک قاچاقچی حرفه‌ای سال‌ها قبل میلیاردها تومان کلاهبرداری کرده بود و من چهره‌اش را طراحی کردم. طراحی که تمام شد، حدس زدم از کشور خارج می‌شود و تصویرش را برای پلیس مرزبانی فرستادم. چند روز بعد به من زنگ زدند و گفتند از روی همان تصویر، در نقطه صفر مرزی دستگیرش کرده اند.

پرونده‌های جنایی

تا دلناتان بخواید به پرونده‌های جنایی رسیدگی کرده‌ام. در این پرونده‌ها معمولاً از شاهدان کمک می‌گیریم تا چهره قاتل شناسایی شود. مثل پرونده قتل یک دانشمند هسته‌ای که سال‌ها قبل ترور شد. ساعت ۴ صبح با من تماس گرفتند تا در محل کارم حاضر شوم. یک شاهد چهره عامل جنایت را دیده بود اما واضح نه. آن روز من هنگام ورود به پلیس آگاهی، چشم‌به‌جوان موتورسواری افتاد که پشت درختی ایستاده بود. آن روز به موتورسوار مشکوک شدم و چهره‌اش را به‌خاطر سپردم. وقتی به اتاق چهره‌نگاری رفتم، با اطلاعات شاهد، تصویر متهم را ترسیم کردم و همانجا فهمیدم که او همان مرد موتورسوار است. انگار آمده بود اطراف پلیس آگاهی سر و گوشی آب بدهد که فوراً از اداره خارج شدم و با کمک همکاران او را که همچنان پشت درختی ایستاده بود دستگیر کردم. پرونده قتل دیگری که خوب در ذهن مانده، شناسایی و دستگیری قاتل سریالی زنان تهرانی بود. چهره فرضی متهم اصلی که من آن را با اطلاعات اندک شاهدان طراحی کرده بودم باعث شد تا همکارانم او را دستگیر کنند. این پرونده به دهه ۸۰ برمی‌گردد و قاتل سریالی یا همدستی دختر مورد علاقه‌اش، زنایی را که خانه‌هایشان را برای فروش یا اجاره گذاشته بودند شناسایی کرده و پس از ورود به خانه، آنها را به قتل می‌رساند و اموال‌شان را به سرقت می‌برد.

شناسایی مجرمان در خیابان

گاهی پیش می‌آید که سابقه‌داران تحت تعقیب را در خیابان به‌صورت اتفاقی می‌بینم و همان موقع به همکارانم خبر می‌دهم که دستگیرشان کنند. حتی اگر آنها گرم کرده باشند، باز هم می‌توانم شناسایی‌شان کنم. گاهی در طرح‌های پلیس که در جریان آن متهمان زیادی دستگیر شده‌اند، به سراغ متهمان می‌روم و به راحتی سابقه‌دارها را از روی چهره‌شان شناسایی می‌کنم. مثلاً می‌گویم فلانی سارق است یا زورگیر یا کلاهبردار.

کاشف معماهای بزرگ

یکی از پرونده‌هایی که پس از کشف آن خیلی خوشحال شدم، پیدا شدن یک کودک ۸ ماهه بود. ماجرا از این قرار بود که یک مادر به همراه نوزادش به یکی از پارک‌های تهران رفته بود. در آنجا زنی به نظریه‌های روانی در چه وضعیتی قرار دارند و حالا کار من این است که ابتدا آنها را آرام کنم. در واقع به نوعی شغل من شباهت زیادی به روانشناسی دارد. بعد از اینکه آرام شدند، باید ذهن‌شان را بخوانم و از آنها بخواهم تا موه‌به‌موا جزای صورت مجرم را به‌خاطر آورند. باید طوری باشد که اشتباه نکنند و به‌دلیل وضعیت روحی‌شان اطلاعات غلط ندهند. آنها چهره مجرم را توضیح می‌دهند و من ترسیم می‌کنم. چنانچه مجرم سابقه‌دار باشد، وقتی چهره‌اش ترسیم شد، اصلاً تیزی نیست سراغ بانک عکس‌های مجرمان سابقه‌دار بروم. چون چهره اکثر مجرمان سابقه‌دار در حافظه‌ام ثبت شده است. این برمی‌گردد به تجربه فراوان سابقه‌کار می‌ام. من تک‌تک اجزای صورت متهمان را به‌خاطر می‌سپارم. حالا شاید به‌خاطر علاقه‌ام به کارم است یا شاید حافظه قوی و استعدادی که خدا به من عطا کرده است. گاهی مالباخته‌مقابلم می‌نشینند و توضیح می‌دهد که گوشی موبایلش سرقت شده است. شگرد سرقت و هیکل سارق را که شرح می‌دهد، من می‌فهمم که کدام مجرم اقدام به این سرقت کرده است. جالب است بدانید که گاهی قبل از چهره‌نگاری، متهم را شناسایی می‌کنم.



یک روز کاری

کار چهره‌نگاری خیلی دشوار است. بگذارید اینطور توضیح بدهم. افرادی که به اتاق من می‌آیند، یا مالباخته هستند یا شاهد جرم. مثلاً افرادی که از آنها سرقت شده یا به دام متجاوز افتاده‌اند. تصور کنید که این افراد از نظر روحی و روانی در چه وضعیتی قرار دارند و حالا کار من این است که ابتدا آنها را آرام کنم. در واقع به نوعی شغل من شباهت زیادی به روانشناسی دارد. بعد از اینکه آرام شدند، باید ذهن‌شان را بخوانم و از آنها بخواهم تا موه‌به‌موا جزای صورت مجرم را به‌خاطر آورند. باید طوری باشد که اشتباه نکنند و به‌دلیل وضعیت روحی‌شان اطلاعات غلط ندهند. آنها چهره مجرم را توضیح می‌دهند و من ترسیم می‌کنم. چنانچه مجرم سابقه‌دار باشد، وقتی چهره‌اش ترسیم شد، اصلاً تیزی نیست سراغ بانک عکس‌های مجرمان سابقه‌دار بروم. چون چهره اکثر مجرمان سابقه‌دار در حافظه‌ام ثبت شده است. این برمی‌گردد به تجربه فراوان سابقه‌کار می‌ام. من تک‌تک اجزای صورت متهمان را به‌خاطر می‌سپارم. حالا شاید به‌خاطر علاقه‌ام به کارم است یا شاید حافظه قوی و استعدادی که خدا به من عطا کرده است. گاهی مالباخته‌مقابلم می‌نشینند و توضیح می‌دهد که گوشی موبایلش سرقت شده است. شگرد سرقت و هیکل سارق را که شرح می‌دهد، من می‌فهمم که کدام مجرم اقدام به این سرقت کرده است. جالب است بدانید که گاهی قبل از چهره‌نگاری، متهم را شناسایی می‌کنم.

زن چهره‌نگار

من زهرا تقی‌زاده، کارشناس چهره‌نگاری هستم و از اواخر سال ۸۲ در اداره تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران مشغول به کار هستم. البته سابقه کارم در فراجا به سال ۷۴ برمی‌گردد. تا قبل از ورود به اداره تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران، سپس وارد بخش تشخیص هویت شدم و به‌عنوان کارشناس زن چهره‌نگار مشغول به کار هستم و بی‌نهایت کارم را دوست دارم و با عشق انجامش می‌دهم.

استعداد ذاتی

به طراحی چهره علاقه خاصی داشتم و سیاه‌قلم کار می‌کردم. حتی در رشته گرافیک هم درس خوانده‌ام و می‌دانستم استعداد زیادی در این زمینه دارم. وقتی وارد بخش تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران شدم با حجم زیادی از پرونده‌ها و ارباب رجوع سسر و کار داشتم. در واقع من کار را به‌صورت تجربی یاد گرفتم. از همان ابتدای شروع کارم چهره‌نگار بودم و استعداد خاصی در این کار دارم. تصویر هر مجرمی را که ترسیم می‌کردم یا عکس‌های بانک اطلاعاتی مجرمان سابقه‌دار را که می‌دیدم، چهره آنها در ذهنم ثبت می‌شد و برای همین به راحتی می‌توانستم مجرمان سابقه‌دار را شناسایی کنم.

زمانی برای بازنشستگی

وقتی بازنشستگی بعد از اینکه خدمت در پلیس آگاهی تمام شود، دلم می‌خواهد طراحی چهره را ادامه دهم و یک گالری طراحی چهره افتتاح کنم. (با‌بخنده) البته می‌دانم که دلم برای پلیس‌بازی‌هایم تنگ می‌شود. شاید هم همچنان به شناسایی و دستگیری مجرمان ادامه بدهم!

داخلی

دستگیری عامل شهادت مأمور پلیس هفته‌پس از جنایت



قاچاقچی موادمخدر که ۲ هفته قبل هنگام جابه‌جایی محموله موادمخدر یکی از مأموران پلیس را به شهادت رسانده بود سرانجام دستگیر شد. به گزارش همشهری، روز سوم مردادماه امسال به مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر شهرستان ملایر، واقع در استان همدان خبر رسید که قاچاقچیان موادمخدر قصد انتقال محموله سنگین موادمخدر از طریق جاده ملایر به سامن را دارند. آنطور که شواهد به‌دست آمده نشان می‌داد قاچاقچیان قصد داشتند این محموله را با استفاده از یک خودروی سواری منتقل کنند. در این شرایط بود که مأموران به کمین آنها نشستند و ساعتی بعد خودروی مورد نظر وارد آن محدوده شد. مأموران پلیس بسا دیدن این خودرو به راننده آن دستور ایست دادند اما راننده با افزایش سرعت خودرو تلاش کرد تا فرار کند. این تعقیب و گریز در ادامه منجر به درگیری پلیس با قاچاقچیان شد و در نهایت یکی از مأموران به نام سرگرد علی میرزایی به‌شدت مجروح و پس از انتقال به بیمارستان به‌علت شدت جراحات وارده به شهادت رسید. به‌دنبال این حادثه تحقیقات برای دستگیری عامل شهادت مأمور پلیس آغاز شد. هرچند اواز صحنه جنایت گر بخته‌سود اما با ادامه تجسس‌ها، مأموران با اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می‌داد قاتل فراری به یکی از استان‌های همجوار گریخته است. در این شرایط صبح دیروز (دوشنبه) او در عملیاتی فافلگیرانه در مخفیگاهش دستگیر شد و بازجویی‌های مقدماتی از او آغاز شده است.

خبر

نشت گاز فاجعه آفرید



نشتت گاز در ساختمانی ۳ طبقه در جنوب تهران انفجار مهیبی را رقم زد و یک کشته و ۱۹ مصدوم برج‌گذاشت. به گزارش همشهری، این حادثه حدود ساعت ۸ صبح دیروز (دوشنبه) در خانه‌ای ۳ طبقه در منطقه جوانمرد قصاب در نزدیکی شهرری اتفاق افتاد. شدت این انفجار به حدی بود که این ساختمان در چند لحظه به ویرانه‌ای تبدیل شد و علاوه بر آن به چندین خانه و خودرو در آن اطراف خسارت وارد شد. نقایضی از حادثه می‌گذشت که گروه‌های امدادی شامل آتش‌نشانی و اورژانس راهی محل حادثه شدند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که شمار زیادی از ساکنان ساختمان در آوار گرفتار شده‌اند. در این شرایط عملیات جست‌وجو و آواربرداری آغاز شد و آتش‌نشانان در دقائق اولیه موفق شدند ۱۲ نفر را زنده از زیر آوار بیرون بکشند. با وجود این عملیات جست‌وجو ادامه پیدا کرد و با برداشت بخش دیگری از آوار در نهایت چند نفر دیگر از زیر آوار بیرون کشیده شدند و این حادثه ۱۹ مصدوم و یک قربانی داشت. به‌گفته محمد اسماعیل توکلی، رئیس اورژانس استان تهران وضعیت ۳ نفر از مصدومان وخیم گزارش شده است. همچنین ۱۷ دختر جوان قدم در حادثه زنی ۷۵ ساله است که در همان لحظات اولیه پس از حادثه زیر آوار گرفتار شده و جان خود را از دست داده بود. در همین حال قدرت‌الله محمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی نشتت گاز را به‌عنوان علت اولیه وقوع حادثه اعلام کرد و از ادامه بررسی‌های کارشناسی در این باره خبر داد.